

ظرف ۳ سال می‌توانیم ۱۰ غول فناوری داشته باشیم

صفحه‌های ۴، ۵ و ۶

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید راه موضوعی:
روایت سال‌های جنگ



فرهیختگان

شماره مسلسل ۴۶۵۲
دو شنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۲
۲۸ دیماه ۱۴۴۴
۱۷ خرداد
شماره

www.fdn.ir | Mon | 17 Jul 2023 | vol.

جوانان ایران قهرمان والیبال جهان شدند

فاتحان منامه



پیشنادهایی به دبیر شورای عالی امنیت ملی

هشتگ #امنیت

ایران در تابستان ۱۴۰۲ با چالش‌های پیش رو چه کند؛ ۸ کلان‌مساله که نهادهای حاکمیتی باید به آن پاسخی واقعی و عاقلانه بدهند تا موضوعات اجتماعی امنیتی سازی نشوند

محمد تقی سیفایی، مدیرکل ادیان و مذاهب سازمان تبلیغات اسلامی:

هنوز با برخی مجرمان حادثه زاهدان برخورد نشده است

با عهوم مردم حرف بزن

به دستور رئیس جمهور درباره افزایش ظرفیت تخصص عمل نشد

افزایش ظرفیت دستیاری پزشکی؛ فقط ۲ درصد

برنامه‌های محرم تلویزیون چه ایده‌ای دارند؟

برنامه‌های محرم تلویزیون چه ایده‌ای دارند؟

به دستور رئیس جمهور درباره افزایش ظرفیت تخصص عمل نشد

افزایش ظرفیت دستیاری پزشکی؛ فقط ۲ درصد

« یادداشت

روشنفکران فرومانده چگونه جهانی را خواهند ساخت؟

است، یگانه راه کامیابی معرفی می‌شود و این جهان قطعا روزبه‌روز صحنه‌ای ترسناک‌تر را برای بشر و نسل آینده نوید خواهد داد.

اما حرف پایانی...

به نظر می‌رسد اسلاوی ژیزک متوجه نیست که نه تنها اعتراضات ایران نمی‌تواند مبارزه طبیفی که مخالف سرمایه‌داری هستند، باشند و حتی ارزش افزوده‌ای در عرصه جهانی داشته باشد، بلکه محصول وضعیتی است که سوزه بیش از آنکه افق سیاسی را شکل دهد به دنبال استثمار دولت به شکلی است که خودشان استثمار شده‌اند و این مورد برای فرانسه هم صدق می‌کند. یعنی اعتراضات خشن در فرانسه بیش از آنکه در افق سیاسی باشد، حتی در سطح اجتماعی در پازل جامعه‌ای است که کامیابی را از طریق ارزش‌های هویتی خود بازسازی می‌کند و نه به دنبال تعویض چرخه بلکه به دنبال مشارکت فعال تر است و این همان بحثی است که ژیزک فقط در سطح نمادین آن را مطرح می‌کند ولی در سطح نامرئی آن را متوجه نشده است. برای همین در مقابل طرح بحث درباره ایران با برچسب بنیادگرایی قصد دارد صورت اصلی را نوعی تفرک خاص در نظر بگیرد ولی چنین طرح بحثی دقیقا همان طرح بحثی است که برگرفته از الهیات لیبرالی است که برای دفاع از سرمایه‌داری حاصل از پروتستانسیم نوعی برچسب را همیشه روانه ایده رقیب کرده است. در ساحتی ژیزک با تقلیل سطح دعوا به نوعی خوانش شرق شناسانه از ایران سعی کرده بود تحولات ایران را عجیب و متفاوت نشان دهد اما پس از روبه‌ر شدن با اعتراضات فرانسه متوجه نشده بود چه مقدار اعتراضات می‌تواند پیچیده باشد و صرفا سعی کرده است بحث‌هایی را مطرح کند که بیش از آنکه حقیقی باشد برگرفته از طرح‌واره‌ای ساده‌گراست.

به تعبیری ژیزک مفهوم‌سازی‌اش نوعی طرح دوگانه کلیشه‌ای را به همراه دارد. یعنی مثلا برخی‌ها در سپهر اقتصادی سعادت بیشتری دارند، برخی‌ها کمتر. یا مثلا زنان در غرب ایزه سرمایه‌داری شده‌اند و به سمت کالایی شدن رفته‌اند یا در ایران حکومت سلب آزادی از زنان می‌کند و... این مفهوم‌سازی نمادین در حقیقت کلیشه و به‌شدت غیرواقعی است؛ چرا که سوزه‌های ژیزک به نوعی در برابر یک حاکمیتی تسخیر شده‌اند و در تلاش هستند که از این وضعیت خارج شوند اما این شکل از خشونت نمادین او باعث می‌شود که او متوجه نشود آنچه در حال رقم زده شدن است به همین طرح‌واره‌های دوگانه خلاصه نمی‌شود که بتوان آن را تشریح کرد.

عیب این تشریح از خشونت دقیقا دوری او از سوزه‌ها و صحنه‌های واقعی است و به همین علت او که معتقد بوده همیشه سرمایه‌داری عقل تسخیری را برای طرد بسیاری رواج داده اما حالا خود او همان جوانان را ایزه کرده است و از آشوب و عدم نزاکت آنها می‌گوید! درحالی‌که در طرح او این جوانان طرد شده هستند اما چون او نمادین تفسیر می‌کند و در طرح‌واره دوگانه او، در جایی دولت نماد سرمایه‌داری و خشونت است و فقرا نماد طردشدگان، حال به جهت خشم فرآینده او چنین می‌گوید. (نامنی روزمره، به فقرا بسیار بیشتر از تروتمندانی که با آرامش در محله‌های محصور خود زندگی می‌کنند، آسیب می‌رساند). یعنی مجدد ژیزک دوگانه خلق کرده است بین نظم و قانون و جوانان. این جوانان هستند که نماد خشونت و ادامه بحران سرمایه‌داری هستند و این دقیقا همان ساده‌انگاری خاص او است.

اما در واقع ما در عصر خشونت‌های نامرئی هستیم که به‌شدت جهان‌شمول است و به تعبیر دقیق‌تر سوزه‌ها در سرمایه‌داری متاخر دیگر در دستخیز یک قدرت خشونت‌ورز نیستند بلکه سوزه‌ها در همه طبقات درگیر خوداستثمار هستند و دیگر معنایی به نام فرادست و فرودست وجود ندارد، همه به نوعی فرودست هستند. با این تمایز که در جوامع کامیابی سرمایه‌داری متاخر، خشم شکل نامرئی دارد و این خشم از سر دوگانه فرادست و فرودست یا قدرت و زیردست نیست، بلکه در جامعه کامیابی در حال زندگی در فرودستی هستند و در حال استثمار خود و این وضعیت به‌شدت متفاوت از طرح‌های دوگانه کلیشه‌ای است.

ظاهرا ژیزک متوجه این تفاوت در عصر سرمایه‌داری متاخر نیست و تصور می‌کند یک تسخیر کننده و یک تسخیر شونده همیشه حضور دارد درحالی‌که در جوامع همان طور که گافمن می‌گوید بیش از آنکه سوزه‌ها در جنگ با دولت‌ها باشند، در تلاش هستند علیه زندگی روزمره جنگی را ایجاد کنند. به طریقی انسان‌ها علیه تکرار در زندگی روزمره اقدام می‌کنند که در این نقطه است که با دولت‌ها اصطکاک ایجاد می‌شود و انسان‌ها به مثابه سوزه در بسیاری از موارد برای عبور از سختی زندگی روزمره، در حین استثمار خود، از همه طبقات با دولت‌ها هم وارد جدل می‌شوند؛ چرا که دولت‌ها را مطلقا استقرار و نظم‌بخشی به سرمایه‌داری می‌دانند. در نتیجه توجه به نظم و قانون هرچند مطلوب است اما راه‌حلی حداقلی و از سر استیصال و فروماندگی است!

تصور جهانی که در آن دولت‌های بسیار نحیف و حداقلی دارد، آن هنگام سخت می‌شود که روشنفکران فرومانده‌ای مثل ژیزک قصد داشته باشند نسخه شفابخشی ارائه دهند که در واقع نه تنها شفادهنده نیست بلکه حتی عامل پیچیده‌تر شدن وضعیت و حتی فروپاشی بسیاری از نظم‌های قابل استفاده موجود است. و در واقعیت جهانی را شکل خواهند داد که نه تنها نابرابری و خشونت سازمان‌یافته وسیع‌تر خواهد شد، بلکه نظم جدید که در آن استثمار خود عملی عادی شده

ژیزک اصلا آن را فهم نکرده و سعی کرده است، در چهارچوبی که در ذهن دارد بیانی حمایت‌گونه را رقم بزند تا اینجا که مبارزه در ایران مبارزه ما هم هست! درحالی‌که عمیقا مساله اعتراضات در ایران صرفا یک مبارزه علیه بنیادگرایی و شبه‌سرمایه‌داری نبوده که ژیزک در ذهن دارد یا مبارزه زنان برای آزادی صرف نبوده، درواقع نوعی زیست جهان و ایدئولوژی پنهان در سبک زندگی‌ها در پس اعتراضات پرنرگ بوده است. به تعبیری که بخش وسیعی از معترضان مثل معترضان آبان ۹۸ اصلا از طبقات فرودست نبوده‌اند، هرچند بحث اقتصادی دخیل بوده است اما سیاست‌های اقتصادی مثل آزادسازی قیمت‌ها در کمتر از سه‌سال دوبار تکرار شده که این عمل و شکست در پرورنده مثل برجام و ضعف‌های گسترده دولت روحانی به‌نوعی طبقه متوسط را نحیف و ضعیف‌تر کرده است. حال طبقه متوسط ضعیف شده برای خروج از وضعیت خود دست به‌نوعی اعتراض زده که در برخی موارد هم به علت حجم بالا خشونت و ابتذال به سرعت از طرف ساختار اجتماعی و جامعه دور شده است. درواقع همان طور که ژیزک معتقد است مبارز زنان فمینیست در غرب صرفا مربوط به رهایی تفرکات مردانه و صرف در طبقات متوسط به بالاست، در این اعتراضات ایران هم وضعیتی یک پارچه علیه به‌اصطلاح بنیادگرایی دینی نداریم، بلکه طبق شواهد و آمارها گسترده‌تری اعتراضات در طیف که در منش و جهان بینی طبقه متوسط به بالا بوده‌اند، بیشتر بوده است. آنچه ژیزک اصلا به آن توجه نکرده یا مثلا بحث امنیت ملی کشوری در خاورمیانه و حتی حضور گروهک تجزیه‌طلب به‌عنوان اپوزیسیون ایران و فشارهای سلطنت‌طلب به‌عنوان نیروهای ارتجاعی و منافقین به دولت‌های غربی برای حمله به ایران نشان می‌دهد، مساله به همان سادگی که ژیزک تحلیل می‌کند، صرف نیست و دلایل وسیع دیگری که نشان می‌دهد ژیزک نتوانسته تحولات ایران را درست متوجه شود.

اما چرا ژیزک آن نسخه‌ای که برای ایران دارد را برای فرانسه ندارد؟

ژیزک به صراحت از قانون و نظم می‌گوید و عجیب‌تر آنکه از افول فرآینده ادب و نزاکت و حضور جوانان در مراکز حمل‌ونقل و خرید که باعث وحشت آفرینی می‌شوند بحث می‌کند. به‌نوعی او آشوب و حرکات آناشیسستی و طغیان‌وار را تایید نمی‌کند و حتی نکوهش می‌کند! هرچند معتقد به درامند بودن دولت‌ها و ایضا دولت فرانسه است اما نسخه او گویی بازگشت به نظم و جلوگیری از آشوب است، حال آنکه همین بحث حضور جوانان در ایران هم وجود داشته است با تفاوتی بزرگ که برخی از جوانان در ایران فقط وحشت آفرینی نکرده‌اند و در مواردی نیروهای نظم عمومی یعنی پلیس و حتی افراد عادی را هم کشته‌اند! به هر ترتیب ظاهرا با تناقض شدید ژیزک روبه‌رو هستیم هرچند طرح بحث ژیزک نه تنها درباره ایران بلکه حتی درباره فرانسه هم واپس‌گراست؛ چرا که اگر در ایران، خوانشی از دین در ۴۰ سال اخیر به صورت غیرمستقیم از طریق پلیس اخلاقی باعث فوت فردی شده است اما در فرانسه شکل دولتی لائیسته و سکولاریسم حداقل باعث کشته شدن چند نفر فقط در ۲ دهه اخیر به صورت مستقیم شده است. به این ترتیب دعوت ژیزک به نظم و قانون در فرانسه یا سایر کشورهای غربی هم نوعی ساده‌انگاری است؛ چرا که قدرت‌ها در غرب و علی‌الخصوص در فرانسه خشونت را به صورت نمادین اما به شکل نامرئی و نظام‌مند ایجاد می‌کنند و این نقطه دقیقا همان نقطه بحثی است که ژیزک متوجه نشده است.

ژیزک تصور می‌کند خشونت فقط به صورت نمادین در ساحت اجتماعی قدرت‌ها در غرب وجود دارد که زنان را کالا و ابزار جنسی کرده‌اند یا فقرا را استثمار کرده‌اند و در ایران هم شکلی از بنیادگرایی دینی مانع از آزادی زنان شده است.



سید جواد نقوی

خبرنگار گروه اندیشه

جناب اسلاوی ژیزک که در اوج اعتراضات ۱۴۰۱ لطف فرموده‌اند و پیام همبستگی برای جامعه ارسال کرده‌اند، اخیرا در باب اعتراضات فرانسه هم چند روز پیش و در اوج اعتراضات و شورش‌های فرانسه در نشریه «نیو استیتسمن» مطلبی را کار کرده‌اند. به همین جهت قصد داریم دو بحث وی را مقایسه کنیم و با احترام به حواریون نقدی هم به او داشته باشیم.

جناب ژیزک در پیامی که برای اعتراضات ایران ارسال کرده‌اند، معتقد بودند همه جهان و حتی غربی‌ها باید از این اعتراضات بیاموزند و این اعتراضات در تاریخ جهانی متمایز است؛ چرا که زنان و مردان ایران علیه بنیادگرایی در حال نبرد هستند و تلاش می‌کنند آزادی خود را به دست آورند، در ادامه به بحث ژیزک درباره ایران برمی‌گردیم اما ایستادن درباب اعتراضات فرانسه معتقدند این نشان از دولت‌های درامند در عصر جهانی است که عواقب بسیار بدی را به همراه دارد، به‌طور مثال رشد راست‌افراطی و افزایش خشونت که به نفع حتی فقرا هم نیست! حتی ژیزک دو جمله واقعا جالب را هم بیان کرده است.

۱- در وضعیت کلی، چه باید شعار قانون و نظم را به‌عنوان شعار خودش در نظر بگیرد.

۲- چسب‌ناباید از افزودن محافظت از امنیت مردم عادی به وظایفش، هراسی به دل راه بدهد؛ نشانه‌های آشکاری وجود دارد از افول فرآینده ادب و نزاکت و بانداهای جوانانی که در فضاهای عمومی، از ایستگاه‌های حمل‌ونقل تا مراکز خرید وحشت آفرینی می‌کنند.

دو جمله بالا برای ادامه بحث بسیار جالب است؛ چرا که ژیزک دقیقا نسخه‌ای را که برای چپ و فرانسه صادر می‌کند، به‌طور دقیقی در ایران نادیده می‌گیرد. برای ادامه باید بحث ژیزک درباره ایران را کمی تحلیل کنیم.

وی با واژه بنیادگرایی که یک نوع لیبل یا برچسب از لنز علوم انسانی در غرب است و جملاتی شور انگیز اعتراضات ایران را اسطوره و متمایز از همه نقاط دنیا و حتی راهگشا برای جهانیان معرفی می‌کند، درحالی‌که اعتراضات در ایران تک‌بعدی نبوده و از چند لایه عمیق برخوردار بوده است.

مساله جنگ رسانه وسیع دنیا و حضور چند صد شبکه و سایت خبری و چند صد هزار و حتی چند میلیون اکانت در فضاهای مختلف رسانه در پلتفرم‌های گوناگون به جهت حجمی در دنیا بی‌سابقه بوده است. به‌نوعی ژیزک اصلا از خود پرسش نمی‌کند و اصلا چرا چنین فضایی ایجاد شده است، اگر مساله یک گروه بنیادگرا صرف است، چنین فشار رسانه‌ای آیا لازم است؟

نکته بعدی که بسیار اهمیت دارد، اعتراضات در ایران هرچند در صورت فرمی زنانه در رسانه ظاهر شده بود اما مشکلات اقتصادی و فشار تحریم‌ها و ایضا بحران‌هایی مثل شکاف‌های نسلی، سیاسی و فرهنگی در کشور باعث شده بود حجم ناراضیاتی بالا باشد و در لحظه خاصی تبدیل به اعتراضاتی گسترده شود که فقط صورت آن زنانه بود ولی درحقیقت مسائل دیگری هم درگیر بودند. هرچند حجم اصلی اعتراضات را جوانان و نوجوانان رقم زده بودند که با تفرکات خاصی که ژیزک در باب آزادی بیان می‌کرد، خیلی نزدیک نیست و حملات تروریستی در مناطق مختلف کشور در ایام اعتراضات مساله دیگری است که

کانون تبلیغاتی
سپهر جوان

مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
در دانشگاه آزاد اسلامی
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹